

ایران، عراق و آمریکا

مقاله دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت در اعتماد ملی

(۸۵ / ۴ / ۳)

۱- چندی قبل سیدعبدالعزیز حکیم از رهبران برجسته شیعیان عراق در سفری به ایران از دولت ایران درخواست کرد تا در مورد عراق با دولت آمریکا به مذاکره بنشینند. دولت ایران ابتدا از این پیشنهاد استقبال کرد و سفیر آمریکا در بغداد نیز آمادگی خود و دولت متبوعش را برای مذاکره مستقیم با ایران اعلام نمود. اما به علل نه‌چندان روشنی این مذاکرات صورت نگرفت. اگر هم انجام شده باشد خبر یا نتیجه آن منعکس نگردید.

برخی از فعالان سیاسی و مقامات مسوول عراق این مذاکرات را دخالت ایران در امور داخلی کشورشان تلقی کردند و با آن به مخالفت برخاستند. اما درخواست حکیم ظاهراً در راستای حل یک تعارض جدی مواضع ایران به عنوان یک دولت اسلامی - شیعی در رابطه با آمریکا، با اولویتهای راهبردی علما و فعالان و گروه‌های شیعه عراق می‌باشد.

این تعارض از آنجا ناشی می‌شود که اولویتهای راهبردی شیعیان عراق، براساس تجارب تاریخی و مصالح کلان تشیع در عراق، تعامل با آمریکا و انگلیس است. اما یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی هر دو کشور ایران و آمریکا تقابل و رویارویی با یکدیگر است.

این تعارض، در هر کجای دیگری غیر از عراق، چه در خاورمیانه و چه در بیرون از منطقه و برای هر گروه دیگری به جز شیعیان عراق، شاید درخور توجه چندانی نبود، اما در مورد ایران و شیعیان عراق چنین نیست و لاجرم، تاثیرگذار و سرنوشت‌ساز است.

علاوه بر مرز مشترک طولانی میان دو کشور ایران و عراق، یک پیوند عمیق فرهنگی - مذهبی هزارساله میان شیعیان ایران و عراق وجود دارد. مزار امامان بزرگوار شیعه از یک طرف و حوزه علمیه نجف با یک سابقه ۹۰۰ ساله از طرف دیگر به این پیوند ابعاد فرهنگی - مذهبی، اقتصادی و سیاسی ویژه بخشیده است. علاوه بر این در شمال عراق کردهای عراق نیز، که دومین گروه جمعیتی محسوب می‌شوند، پیوندهای تاریخی و فرهنگی - قومی ریشه‌داری با ایران دارند. در طول تاریخ منطقه وسیع کردستان اعم از کردستان ترکیه، عراق و ایران، به طور مستمر بخشی از ایران و کردها، از قدیم‌ترین و اصیل‌ترین اقوام ایرانی محسوب می‌شوند و میان کردهای منطقه، به‌خصوص کردهای ایران و عراق نیز نظیر شیعیان، پیوندهای گسترده و عمیق وجود دارد.

سطح گسترده این پیوندها آنچنان است که در دهکده جهانی و تاثیرات متقابل اجتناب‌ناپذیر رویدادها در یک منطقه بر کشورهای پیرامونی، نه ایران و نه هیچ کشور دیگری نمی‌تواند این تاثیرات را نادیده بگیرد. شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ کشوری در منطقه خاورمیانه به اندازه ایران این نوع پیوندها را با اکثریت بزرگی از مردم عراق ندارد. بعد از ایران، ترکیه نیز به دلیل جمعیت قابل توجه کردهای ترکیه و درگیری‌های قومی - فرهنگی میان آنان با دولت مرکزی نسبت به رویدادهای عراق، به‌خصوص در شمال عراق حساسیت نشان می‌دهد و به‌شدت آن را زیرنظر دارد و پیگیری می‌کند. تثبیت یک دولت کرد خودمختار در شمال عراق خودبه‌خود بر طبق قانون ظروف مرتبط بر وضعیت سیاسی و اجتماعی کردها در ایران و ترکیه اثر می‌گذارد و سطح انتظارات و مطالبات کردهای ایران و ترکیه را بالا می‌برد،

به طوری که این دولت‌ها خود را مجبور می‌بینند برای کاهش تنش‌های سیاسی در این مناطق به تامین برخی از مطالبات کردها روی خوش نشان بدهند.

توجه به مساله کردهای عراق از آن جهت در این بحث مهم است که کردهای عراق از زمان تاسیس دولت مستقل عراق و حکومت اقلیت عرب - سنی، به طور مستمر با حکومت‌های وقت درگیر بوده‌اند و به شدت به درجات سرکوب شده‌اند. در دوران غائله صدام‌حسین، کردهای شمال و شیعیان جنوب بیش از هر زمان هزینه‌های این سرکوب‌های قومی - مذهبی را متحمل شده‌اند.

طی جنگ دوم خلیج فارس و حمله نیروهای نظامی آمریکا و متفقین‌اش به عراق، به دنبال حمله عراق به کویت، کردها نهایتاً توانستند با حمایت نظامی آمریکا و متحدانش به نوعی خودمختاری برسند و به دوران طولانی سرکوب‌ها خاتمه داده شود.

۲- تاریخ شیعیان عراق نیز بسیار خونین و در جهاتی خونبارتر از کردها در شمال عراق است. در تمام طول خلافت امویان و سپس عباسیان و بعد آن عثمانی، شیعیان به عنوان رافضی، تحت فشار و پیگیری در سرکوب قرار داشته‌اند. در دوران خلافت عثمانی، نه تنها در عراق، در سایر کشورهای منطقه، از جمله شامات (لبنان و سوریه) شیعیان از ابتدایی‌ترین حقوق مدنی خود محروم بودند.

سرکوب‌های سیاسی - مذهبی، فشارها و محرومیت‌های اقتصادی آنچنان بود که شیعیان عمدتاً برای حفظ هویت خود، به درون خود و به نوعی انزوا از کل جامعه پناه می‌بردند. از طرف دیگر شیعیان خلفا را غاصب و حکومت آنان را نامشروع و هر نوع رابطه را منع می‌کردند، حتی از دریافت شناسنامه برای خود نیز امتناع می‌ورزیدند. به طوری که در مساله لبنان، هیچ آمار رسمی از جمعیت شیعیان وجود نداشت و شیعیان در موقعیت بسیار بد انتقادی و فرهنگی قرار داشتند.

بعد از فروپاشی خلافت عثمانی، در اواخر جنگ اول جهانی، قیمومیت بخش‌هایی از سرزمین خلافت عثمانی، از جمله عراق به انگلستان واگذار شد. اما شیعیان عراق این قیمومیت را نپذیرفتند و با آن به نبردی نابرابر پرداختند. هنگامی که در اوایل دهه ۱۹۳۰ انگلستان به قیمومیت خود در عراق پایان داد و شیعیان خود را کنار کشیدند، در نتیجه، حکومت عراق به اقلیت عرب - سنی واگذار شد. دولت انگلیس اگرچه رسماً به قیمومیت خود خاتمه داده بود، اما برای ادامه سلطه خود بر عراق، به خصوص با توجه به کشف منابع زیرزمینی نفت، متعهداً قدرت را به یک اقلیت عرب - سنی واگذاشت تا در برابر اکثریت جمعیت شیعه و کرد به حمایت انگلستان وابسته باشد.

۳- اما اکنون وضعیت به کلی تغییر کرده است. شیعیان عراق، بر این باورند که مصالح استراتژیک آنان در ترک مواضع انزواطلبی گذشته و حضور فعال در صحنه سیاسی و تاثیرگذاری بر روند تحولات می‌باشد. اگر مقررات تماس دیپلماسی با قدرت‌های ذیربط و صاحب نفوذ را رعایت کنند و به نهادینه شدن دموکراسی در عراق کمک نمایند، از آنجا که اکثریت جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، برای اولین بار در تاریخ چندین قرنی خود، می‌توانند حاکم بر سرنوشت خود بشوند.

درست است که حمله نظامی آمریکا و انگلیس موجب سقوط صدام شد و اکنون نیز عراق در اشغال این نیروهاست، اما این نیروها، دیر یا زود از عراق خواهند رفت، اما مردم عراق هستند و پیروزی دموکراسی در عراق یعنی پیروزی مردم عراق و از جمله کردها و شیعیان بنابراین نقطه تعارض میان سیاست‌های راهبردی دولت شیعی ایران با شیعیان عراق در این است که شیعیان عراق مصالح و منافع درازمدت خود را در همراهی با کشورهای آمریکا و انگلیس در راستای تثبیت دموکراسی در عراق

می‌بینند در حالی که روابط میان ایران و آمریکا و انگلیس خصمانه، یا حداقل غیردوستانه است. و با توجه به آنچه درباره پیوندهای عمیق میان شیعیان عراق و ایران اشاره شد روابط موجود میان ایران با آمریکا بر سیاست‌های راهبردی شیعیان عراق به طور مستمر اثرات منفی و بازدارنده‌ای را برجای می‌گذارد.

همچنین باید توجه کرد که اولاً کشورهای عرب همسایه، از تحولات دموکراتیک در عراق که نهایتاً منجر به تشکیل یک دولت متکی به اکثریت (شیعی) می‌گردد به شدت ناراحت و نگران هستند. ثانیاً امنیت عرب سنی عراقی نیز، که برای اولین بار موقعیت تاریخی خود را در بافت قدرت از دست داده به شدت ناراضی و نگران است. با توجه به مناسبات دوستانه و نزدیک اکثر دولت‌های عربی با آمریکا و تعارضات موجود میان ایران و آمریکا، دولت آمریکا از یک طرف خود را مجبور می‌بیند که نظر دولت‌های عربی را رعایت کند و این در تعارض با برنامه‌های راهبردی شیعیان عراق قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی برخی دیگر از قدرت‌های منطقه، در تقابل با مواضع و سیاست‌های خصمانه ایران علیه خود، از زمینه‌های تاریخی میان گروه‌های افراطی سنی، علیه شیعه استفاده کرده و به جنگ مذهبی در عراق آنچنان دامن می‌زنند که هر زمان نیروهای نظامی خارجی، عراق را تخلیه کنند، عراق یکپارچگی و تمامیت ارضی خود را از دست بدهد.

۴- با توجه به بالا اشاره شد، مذاکرات ایران و آمریکا، در هر چارچوبی و به هر بهانه‌ای صورت پذیرد، خواه ناخواه دامنه مذاکرات گسترده شده و مسائل دیگر، از جمله عراق را دربر می‌گیرد. امید و انگیزه علمای شیعه و سایر فعالان سیاسی در این است که کاهش تنش میان ایران و آمریکا، راه را برای حفظ تمامیت ارضی عراق و نهادینه کردن دموکراسی هموار خواهد ساخت.